

ادامه از صفحه ۶

جعبه سیاه تهران



این‌ها باعث شد شورای اول پرونده مثبتي از خود بر جای بگذارد. درباره ترغیب بودجه و بودجه‌نویسی، حساب و کنترل شرکت‌ها و درآمد شهرداری قدم‌های بلندی را برداشتیم و جلو یک سری تخلفات را گرفتیم. مثلا اجازه نمی‌دادیم باغ‌ها تخریب شود. دراین‌باره پرسشگر بودیم و از شهرداری سؤال می‌کردیم. الان به جایی رسیدیم که فکر می‌کنیم سؤال‌کردن بی‌اثر است. اتفاقاتی نظیر شهران، فرونشست زمین‌ها، فاجعه کودبرداری‌ها ... نشان می‌دهد نظارت ضعیف است. این‌ها وظیفه شهرداری است اما تا سؤال می‌کنیم، شهرداری فرار به جلو می‌کند. ما اصلا نمی‌دانیم درآمد شهرداری کجا هزینه می‌شود، این پنهان‌کاری و نامحرم‌دانستن افکار عمومی و تضعیف جامعه هدف، تعریف پاسخ‌گوینودن به آنها باعث شده یک وضعیت هرج‌ومرج به وجود بیاید. انکار تهران یک گاو شیرده است که شهرداری دائم در حال دوشیدن آن است.

اتفاق دیگری که در این سال‌ها افتاده، آن است که برخی به شورای شهر به عنوان یک پل عبوری و پله‌ای نگاه می‌کنند که می‌توانند آنها را به قدرت اصلی و نهاد ریاست‌جمهوری برسانند...

دقیقا اصولگراها نسبت به شهر، مدیریت و منابع شهری نگاه ابزاری دارند. این ابزار باید در خدمت آنها باشد برای اهدافی که تعریف می‌کنند. من نمی‌گویم از شورا استفاده ابزاری نشود. در ترکیه هم از همین سبک استفاده می‌شود. به خاطر اینکه شوراها مهم هستند. اما در انتخابات ۹۲ اصلاح‌طلب‌ها به شورا خیلی دم‌دستی و به صورت رفع تکلیف نگاه کردند.

این در حالی است که اصولگراها در شعار خیلی تأکید دارند که مدیریت شهری نباید سیاسی باشد...

اصولگراها سیاسی‌ترین رفتار را درباره برنامه‌های دولت‌ها و مدیریت شهری به خرج دادند. آنها غیرکارشناسانه در شهر مداخله کردند این نوع ساده‌سازی مدیریت شهری در بطن افکار بسیاری از برخی وجود دارد. اکثریت آنها هم از شورای شهر در همین جهت استفاده ابزاری می‌کنند.

اخیرا آقای حافظی گفته برخی انتقاد از شهرداری را باعث تضعیف انتخاباتی و حتی تضعیف نظام می‌دانند و به خاطر همین نگاه سکوت می‌کنند...

این نگاه ایدئولوژیک است. برخی از اصولگراها منتقدان خود را تکفیر می‌کنند. به خاطر اینکه معتقدند چیزی که آنها می‌گویند مقدس است. با این نگاه، طبیعی است شهرداری را تبدیل به ابزار می‌کنند. به رقابت و تنوع و نیز نقد، تن نمی‌دهند. شهرداری از نیروی کار آنها اتباع بیگانه هستند، درحالی‌که نیروی بی‌کار در کشور موج می‌زند. به همین دلیل است که من معتقدم بخشی از اصولگراها و نئولیبرال‌ها به هم می‌رسند و آن حذف مردم و جامعه مدنی و غیردموکراتیک‌کردن مناسبات اجتماعی است.

آ فکر می‌کنید اگر ماجرای مانند املاک نجومی در شورای اول اتفاق می‌افتاد، در قبال آن چه کار می‌کردید؟

ما درباره حقوق‌های نجومی به دولت روحانی توصیه کردیم به‌شدت برخورد و شفاف‌سازی کند. الان هم حرف ما این است که به‌هیچ‌وجه مجوز شورای شهر به آقای شهودار آن هم شورای که در خدمت شهردار است، دلیل نمی‌شود که با املاک شهرداری این‌گونه برخورد شود. این‌ها با املاک مردم است و نمی‌تواند آنها را به یک سری نورچشمی بدل و بخشش کند ولو آنکه آن گروه‌ها مجازی کارمندان خود شهرداری باشند. وقتی توجیه می‌شود که شهرداری این امکان را برای تمام گروه‌ها فراهم کند... بسیاری از مردم فاقد مسکن هستند یا مسکن آنها فرسوده است..

آ ممکن بود استعفا بدهید؟

نه، دست‌کم من اهل استعفا نیستم. باید مبارزه کرد. الان طبقه متوسط و برخی از طبقه ممتاز جامعه کاملا با شعارهای ما هم‌فکری دارند. فضای مجازی، گروه‌های مجازی و فضای مطبوعات ابزار مفیدی هستند. مهم‌ترین آفتی که اصلاح‌طلبان را تهدید می‌کند، اردست‌دادن بدنه اجتماعی آنهاست. ناکارآمدی نباید روی شانه اصلاح‌طلبان بیفتد. ناکارآمدی متعلق به کسانی است که کشور و شهر تهران را به این وضعیت کشاندند.

شرق، مهسا جزینی:
باهر در پی ناطق. آرزویی که ناطق نوری داشت و محقق نشد حالا در کنش پساپارلمانی رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری متبلور شده است. ناطق نوری بعد از شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۶ دیگر در هیچ انتخاباتی نامزد نشد و گفت کهنه‌کارهای سیاسی باید به دنبال اتاق فکر بروند. باهر اگر چه به‌صراحت از چنین نقشی برای خود سخن نگفته، اما کنش سیاسی‌اش در این ماه‌های اخیر همین را می‌رساند. او می‌خواهد به‌ویژه بعد از ناکامی اصولگرایان در انتخابات تهران و شکست استراتژی ائتلافی که با رهبری حدادعادل رقم خورد، خودش اتاق فکر را رهبری کند.

ناجی اصولگرایان

کنش این‌روزهای باهرن هم دقیقا شبیه کنش روزهای پیشاانتخاباتی ناطق نوری است. باهرن به‌صراحت اعلام کرده نمی‌خواهد در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده نامزد شود، اما هنگام توضیح شرایط یک نامزد اصولگرا، کدهایی می‌دهد که مصداقش می‌تواند خود او باشد. اینکه فرد موردنظر علاوه بر شهرت، سابقه ناکامی انتخاباتی هم نداشته باشد. تقریبا همه چهره‌های شناخته‌شده در مظان نامزدی اصولگرا، حداقل یک بار سابقه ناکامی انتخاباتی دارند. ناطق نوری هم به استناد گزارش روزنامه سلام، وقتی در سال۷۳ در کسوت رئیس مجلس دادم از این استان به آن استان می‌رفت، در یکی از سفرهایش به اراک، با این سؤال روبه‌رو شد آیا برای جمع‌آوری رای سفر می‌کند؟ اما ناطق جواب داد: «تا محرم پنجم و ریاست‌جمهوری ششم کی مرده و کسی زنده؟». بعد هم گفت شخصا دنبال کسب هیچ چیزی نیست و آخوندی و طلیعی‌اش را با هیچ چیزی عوض نمی‌کند، نه با ریاست مجلس و نه ریاست‌جمهوری. او گفته بود: «هربار گفتند بیا این بار را روی دوشت تحمل کن، بیا وزیر شو، نماینده شو، گفتم چشم و آدم‌باش از آنها هم نیتیم که بگویم توان و عرضه‌اش را نداریم تخر بنده عرضه دارم توانش را هم دارم». اما آمد و گزینه قطعی اصولگرایان هم شد.

باهرن می‌خواهد مانند ناطق نوری در سال ۸۴ نقش ناجی اصولگرایان را بازی کند. در این صورت محتمل است رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری هم مانند ناطق نتواند از پیش نقشی که آرزویش را دارد، برآید. باهرن می‌خواهد همان نقشی را بازی کند که ناطق در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در انتخابات سال ۸۴ بازی کرد.

ناطق رئیس شورای هماهنگی نیروی‌های انقلاب بود و باهرن رئیس جبهه پیروان خط امام

و رهبری را ۱۷ تشکل اصولگرا؛ تشکلی که بعد از فوت حبیب عسکراولادی به او به ارث رسیده است. سال ۸۲ خیرهایی می‌رسید که قرار است ستاد انتخاباتی جناح راست زیر نظر ناطق شکل بگیرد. اگر چه ناطق می‌گفت رئیس هیچ ستاد انتخاباتی‌ای نیست. او گفت: «روزی که

از مجلس بیرون آمدم اعلام

کردم بنا ندارم در انتخابات شرکت کنم به دلیل اینکه قائل هستم در دنیا سیاسیون باید عمر سیاسی برای خود تعریف کنند؛ کهنه‌کارهای سیاسی باید به اتاق فکر بروند». باهرن هم نگفته است قرار است رئیس ستاد انتخاباتی شود، اما دمام از حزب فراگیر اصولگرایی سخن می‌گوید. اخبار حاکی از این است که جامعه روحانیت مبارز و آیت‌الله مهدوی‌کنی از کنار گذاشته‌شدن جامعه روحانیت مبارز در مسیر ائتلاف سال ۸۴ دلخور بودند. از اینکه

یک عضو این جامعه شخصا شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را زعامت کند و جامعه روحانیت برخلاف سال‌های قبل، نقش محوری نداشته باشد، خوشحال نبودند. حالا هم در ظاهر اگر چه همه از محوریت جامعه روحانیت برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ دم می‌زنند و اعلام شده این نهاد کمیته‌های انتخاباتی خود را هم تشکیل داده است، اما مشخص نیست در عمل تن به این زعامت داده شود. همان‌طور که در انتخابات مجلس هم داده نشد و مشخص شد فهرست تهران مورد قبول و اجماع اعضای جامعه روحانیت نبوده

سیاست

زعیم اصولگرایان کیست؟

باهرن به دنبال احیای رؤیای ناطق



عکس محمد مهدی قزوینور

است. احتمالا باهرن از آن تجربه شورای هماهنگی نیروهای انقلاب سال ۸۴ درس گرفته و تمایلی به برهم‌زدن ساختار و ظاهر ائتلاف با محوریت جامعه روحانیت ندارد، اما حتما به نقش آفرینی جدی در پشت صحنه فکر می‌کند.

چه کسی حرف باهرن را می‌خواند؟

در سال ۸۴، ایده ناطق عملی شده و او مسئولیت شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را – که سازوکاری تعبیه‌شده برای انتخابات مجلس هفتم بود – در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری نهم برعهده گرفت. قرار بود از میان گزینه‌های انتخاباتی یک نفر به‌عنوان نامزد جناح راست انتخاب شود؛ ولایتی، قالیباف، لاریجانی، رضایی و احمدی‌نژاد. ناطق با هرکدام از این‌ها ساعت‌ها جلسه گذاشت اما به نتیجه نرسید. تلاش‌هایش ناکام ماند و اجماعی رخ نداد. حالا هم اگر باهرن به دنبال همان نقش و ایده ناطق باشد، احتمال شکستش زیاد است، این را خودش هم فهمیده که ایده مهندسی معکوس را طرح کرده است. رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری برخلاف ناطق‌نوری که نامزد‌ها را در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب جمع کرده بود تا از میانشان یک نفر بیرون آید، می‌خواهد از حالا به سراغ افرادی که در مظان نمایندگی‌اند برود و آنها را از آمدن منصرف کند تا فقط یک نفر باقی بماند. باهرن در صورتی که بخواهد ایده

مهندسی معکوس خود را اجرایی کند، با همان مشکلی روبه‌رو خواهد شد که ناطق‌نوری در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب روبه‌رو بود. آن زمان کسی حرف ناطق را نخواند. به‌ویژه در جامعه روحانیت مبارز که خود عضو آن بود، با مشکل روبه‌رو شد. حالا هم فقط باهرن است که از نیامدن چهره‌های شناخته‌شده ولی ناکام انتخاباتی سخن می‌گوید، اخبار حاکی از این است اصولگرایان از قضا متمایل به آمدن قالیباف هستند. اخبار باز هم حاکی از این است که شهردار تهران پاشنه‌هایش را برای سومین‌بار ورکشیده است و این احتمال وجود دارد که جامعه روحانیت هم به سمت او میل کند. پایگاه خبری بازتاب در سال۸۴ درباره اختلاف ناطق نوری با جامعه روحانیت

مبارز بر سر نامزدها، نوشته بود: «با حمایت سه نفر از روحانیون برجسته کشور از علی‌اکبر ولایتی، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب با معرفی علی لاریجانی به‌عنوان کاندیدای مورد حمایت این شورا دچار بحران شده است».

این پایگاه خبر داده بود که «ناطق نوری دیداری با مهدوی‌کنی، دبیرکل جامعه روحانیت داشته و به وی پیشنهادی مبنی‌بر انتخاب علی لاریجانی داده است اما آیت‌الله مهدوی‌کنی ضمن مخالفت با اعلام کاندیدای شورای هماهنگی که مقطع فعلی، اظهار می‌دارد در صورت اعلام حمایت از علی لاریجانی از سوی شورای هماهنگی، وی رسما از علی‌اکبر ولایتی حمایت خواهد کرد. از سوی دیگر گفته می‌شد که آیت‌الله مجتبی تهرانی، از علمای بزرگ تهران نیز در دیدار ولایتی با وی، به وزیر خارجه سابق تأکید کرده است که به صورت جدی در انتخابات حاضر شود. همچنین آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری در دیدار علی‌اکبر ولایتی با ایشان، وی را مورد تأیید جدی قرار داده است».

جایگاه ناطق‌نوری در میان جریان اصولگرا و حتی جامعه روحانیت مبارز، در آن زمان بسیار وزن‌تر از جایگاه امروزی باهرن، میان اصولگرایان بود. آن هم درحالی‌که برخی بزرگان این قوم مانند آیت‌الله مهدوی‌کنی و حبیب‌الله عسکراولادی هنوز در قید حیات بودند. باید گفت در این شرایط پیش‌بینی شکست نقش زعامت‌گونه باهرن چندان دور از ذهن نیست. در آن زمان مشکل ناطق‌نوری، رقابت چهره‌های اصولگرایی بود که هریک قبای ریاست‌جمهوری را از پیش دخته بر تن خود می‌دیدند و از گروه‌هایی مانند «احمدی‌نژادی‌ها» با جبهه پایداری که حالا هرکدام برای خود جریان و عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

که استیضاح در صحن علنی مطرح می‌شود، فاصله آیین‌نامه‌ای بود. ما این ۱۰ روز هم از پا ننشستیم، خیلی دنبال کردیم که آقای وزیر این قولی را که دادند عمل کنند؛ من مخالف رای استیضاح بودم. تا روز قبل از استیضاح صبر کردم، تا ساعت ۱۰ صبح صبر کردم. حداقل با سه وزیر از وزرای آقای روحانی تماس گرفتم و گفتم آقای فرجی گفتند، قول داده‌اند اگر این قول‌ها عمل نشود، استیضاح می‌آید و رای می‌آورد و می‌افتد. خواستم به آقای فرجی‌دانا بگویند این کار را انجام دهند، هر سه نفر حرف من را تأیید کردند گفتند دنبال خواهند کرد، تا هشت شب صبر کردیم و نشد و من به موافقان استیضاح پیوستم.

آ خیلی دوست ندارید با خواهرزاده خود آقا سیدمجتبی نمره‌هاشمی بحث سیاسی کنید.

ایشان جزء بچه‌های متدین هستند. همیشه مثال ما برای آدم‌های متدین ایشان بودند، در جریانات سیاسی و آقای احمدی‌نژاد یک سری اختلاف‌های سیاسی پیدا کردیم. برخی مواقع با هم صحبت می‌کردیم و دیدیم روی هم تأثیر نداریم، سعی می‌کنیم با هم بحث کنیم.

آ رابطه خواهرزاده و دایی که سرچایش هست؟

بله. وقتی به هم می‌رسیم بحث‌های سیاسی نمی‌شود.

آ آقای محمدرضا باهرن می‌تواند رقیبی برای آقای روحانی در ریاست‌جمهوری باشد؟

من قطعا بارها و بارها گفتم خیر.

آ حتی اگر اصرار باشد؟

اصرار همیشه وجود دارد، ما معتقد هستیم برای ریاست‌جمهوری دوره آینده اگر رقابتی باشد تعدد کاندیدها-ها و نامزدها، خیر و برکنی برای جامعه ندارد. از طرفی به‌مدالله به اندازه کافی داوطلبان داریم. اگر می‌توانستیم برخی از داوطلبان را صادر کنیم، خوب می‌شد برای کشورهایی که رئیس‌جمهور ندارند.

آ می‌گویند با قضیه‌ای که پیش آمد در اصولگراها فحط‌الرجال است.

نه، قطعا این‌گونه نیست، رقابت باید جدی باشد. حتما گروه‌های مختلف شرکت می‌کنند.

خبر

پاسخ نماینده زرتشتیان به امام جمعه اصفهان

● **شرق:**
نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به اظهارات اخیر امام‌جمعه و نماینده ولی فقیه در استان اصفهان به دوگانه‌پرست‌خواندن زرتشتیان، اعتراض و بر یکتاپرستی زرتشتیان تأکید کرد. به گزارش جماران در ایران «اسفندیار اختیاری» خطاب به امام‌جمعه اصفهان آمده است: «متأسفانه جناب‌عالی در روز ۲۳ مهرماه ۱۳۹۵ در نماز جمعه اصفهان، با یک استدلال عجیب! زرتشتیان شریف و پرافتخار را به ناق، دوگانه‌پرست نامیدید. این اتهام برای ایرانیان و زرتشتیانی که در درازنای تاریخ، یکتاپرست بوده‌اند و به آن افتخار می‌کنند، نیازی به آوردن استدلال برای پاسخ‌گویی ندارد اما در پاسخ به‌دلیل عجیب ذکرشده برای این اتهام، به یک نکته بسنده می‌کنم. اینکه اگر بارها از شیطان در کتاب‌های دینی و مذهبی مسلمانان نام برده شده است، به معنی اعتقاد به خدای بدی و شر در دین اسلام نبوده و نیست و حتما خداوند به‌مانند باور ایرانیان و زرتشتیان، یکتا بوده و هر چه را آفریده است، نیک و خوب است. بنابراین تکرار کلمه شیطان یا اهریمن، بنا به تعبیر رهبر گران قدر، با هدف ایجاد هوشیاری دائم انجام می‌شود و درواقع «شناخت توطئه» است نه «توهم توطئه». در ادامه این نامه آمده است: «همچنین در محکوم‌کردن هرگونه صحبت‌های تفرقه‌برانگیز، به ذکر مجدد سخنان جناب‌عالی که اخیرا در جلسه خداحافظی پیشوای مذهبی اصفهان بیان کردید، بسنده می‌کنم که عنوان کردید: «آمریکا و غرب دامن‌ا علیه ایران و نقض حقوق‌بشر اتهام‌زنی می‌کنند و شرایط زندگی برای دیگر ادیان را بسیار سخت و ظالمانه مطرح می‌کنند این در حالی است که آنها از این هم‌زیستی و احترام به ادیان در ایران آگاهی دارند و مغرضانه و به خاطر دشمنی با جمهوری اسلامی اتهام‌زنی می‌کنند»، امیدوارم که به این سخنان عمل کنیم زیرا کشور بزرگ و اهورایی ایران، به کردار بیش از گفتار نیاز دارد و این کشور شوکه‌مند، همواره نیازمند یکپارچگی قومی، دینی و نژادی است. اینجانب با وجود اینکه اعتقاد دارم این‌گونه تهمت‌ها، تأثیر در بین باور ایرانیان ندارد، اما اعتراض شدید خود را به این سخنان نادرست اعلام می‌کنم و انتظار دارم که نمایندگان محترم خبرگان رهبری، بیش از دیگران به ادیان الهی احترام بگذارند». آیت‌الله طباطبائی‌نژاد، امام‌جمعه اصفهان، در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته گفته بود: «زرتشتیان قائل به این هستند که جهان دو خدا دارد که یکی از آنها برای خوبی‌هاست و دیگری برای بدی‌ها که آنها را یزدان و اهریمن نامیده‌اند. آنها می‌گویند که هر علتی باید با معلول خود سنجختی داشته باشد یعنی خدای خیر خودش هم با خوبی‌ها ارتباط داشته باشد که این حرف آنها هم از نظر علمی درست است. اصلا شر در عالم وجود ندارد و همه آنها خیر است چراکه خداوند چیزی جز خیر خلق نکرده است و همه نعمات براساس مثبت‌بودن خودش خلق شده‌اند».

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

عده و عده‌ای دارند، خبری نبود.

گزینه‌های وزارتخانه‌ها از زبان محمدعلی نجفی

او هم‌زمان معاونت اداری و مالی این سازمان و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.
سلطانی‌فر عضو هیات علمی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و به‌عنوان نماینده مردم تهران در شورای شهر نیز انتخاب شده بود که پس از رفتن به ایران فرهنگیان را شورای شهر تهران استعفا کرد.
فخرالدین احمدی‌دانش‌آشتیانی:
رئیس مجتمع آموزشی مفید، عضو شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جمهوری اسلامی ایران و معاون اسبق طرح و توسعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران است. پس از آنکه رضا فرجی‌دانا به‌عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از سوی مجلس نهم استیضاح شد و رای عدم اعتماد گرفت، همچنین بعد از آن‌که محمود نلی‌احمدی‌ادبی توانست از مجلس برای تصدی وزارت علوم رای اعتماد بگیرد، در ۲۰ آبان ۱۳۹۳ حسن روحانی، دانش‌آشتیانی را به مجلس معرفی کرد.
اما او نیز با کسب ۷۰ رای موافق، ۱۷۱ رای مخالف و ۱۶ رای ممتنع نتوانست از مجلس رای اعتماد بگیرد.
محمدعلی نجفی:
نجفی از سال ۱۳۶۰ تا سال ۸۴ در همه دولت‌ها به‌عنوان وزیر حضور داشته است. او در سال ۱۳۸۶ به سومین دوره شورای شهر تهران راه یافت اما در مرداد ۱۳۹۲ به‌دنبال انتصاب دانا به‌عنوان معاونت رئیس‌جمهور از این سمت استعفا کرد. او در دولت یازدهم به‌عنوان وزیر به مجلس نهم معرفی شد اما با اختلاف یک رای از مجموع ۲۸۴ رای موافق، موفق به حضور در وزارت آموزش‌پرورش نشد.
دو روز بعد رئیس‌جمهور او را به معاونت رئیس‌جمهور و ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور منصوب کرد اما نجفی در بهمن ۱۳۹۲، از این سازمان استعفا کرد که حسن روحانی او را به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهور و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد.
محمدعلی نجفی پس از استیضاح فرجی‌دانا، به مدت سه ماه سرپرستی وزارت علوم را بر عهده داشت.